گزارش میدانی خبرنگار «شرق» از نجف‌آباد و محل زندگی خانواده‌ای که حلق‌آویز شدند

آن ۵ پیکر از دنیا کنده

دریا قدرتی‌پور: بیشتر از دو هفته از خودکشی خانواده پنج‌نفره «پ» گذشته است؛ زیرزمینی که محل دارزدن «ف»، «ا»، «م»، «ع» و «ن» شد. «ن» کوچک‌تر از همه بود؛ دختر نوجوان ۱۴ساله با دو تا چشم سیاه روشن که خیلی زود تاریک شد. مردم این منطقه نمی‌خواهند فراموش کنند و حالا معلوم نیست تا چند وقت دیگر می‌خواهند چشمشان که به هم می‌افتد، کمی با خودشان کلنجار بروند و بعد سرخ و سفید بشوند و شروع کنند و برای خانواده مرموز پلاک پنج‌رقمی قصه بسازند. پیداکردن خانه زیاد سخت نیست. ۲۵ کیلومتر که از مرکز اصفهان دور شوی و به خیابان ۱۵ خرداد نجف‌آباد برسی، رسیدن به کوچه پهنی که خانه این پنج نفر بوده، سخت نیست؛ خانه‌ای بزرگ که در مقایسه با خانه‌های قدیمی این محله یک خانه اشرافی به حساب می‌آید؛ یک خانه آجری قرمز بلند با سقف سیاه و چند ردیف پنجره. از خیابان که نگاهش می‌کنی خیلی تاریک است؛ کل ساختمان طوری تاریک است انگار خودش را در سایه درخت‌های پیر و گره‌داری که رویش خم شده بودند، قایم کرده است.

اما آنچه در گفته‌های همسایه‌ها دیده می‌شود، این است که دو ماشین داشته‌اند؛ یک وانت و یک پژوپارس. همسایه‌ها همان گفته‌های تکراری را می‌گویند که بارها و بارها برای پلیس صحبت کرده‌اند. مادر خانواده قبلا معلم بوده و بازنشسته شده است. بن‌بست و پایان این خانواده رسیده به اینکه این خانواده به انتهای فراموشی نرسند و حالاحالاها قصه‌شان سر زبان‌ها باشد. وارد محدوده کوچه که بشوی، همه دارند از خانه‌ای حرف می‌زنند که هنوز هم مثل راز سربه‌مهر، سرنوشتشان مثل یک فیلم‌نامه با پایانی ترسناک مانده است. با اینکه فقط دو هفته از ماجرا گذشته، حیاط جلویی پر از برگ‌های خشک قهوه‌ای است که نشان از نبود اهالی خانه می‌دهد. خانه‌ای که تا قبل از آن جمعه مخوف، پنج نفر در آن زندگی می‌کردند و حالا واژه پلمب هنوز بر دیوارهای آجری آن به چشم می‌خورد. اهالی کوچه و همسایه‌ها همچنان در بهت و تعجب هستند. اگرچه تا قبل از این هم ذهنشان از راز و رمز درون خانه و اینکه چه اتفاقاتی در آن می‌افتاده، تهی بوده، اما اکنون این خانه ساکت تبدیل شده به یک علامت‌سؤال بزرگ در ذهن اهالی و همسایه‌هایی که بیش از یک دهه خانواده‌ای را می‌دیده‌اند که سرشان در لاک خودشان بوده است. خانواده ساکت ساکن این خانه دوست نداشته‌اند با کسی رفت‌وآمد داشته باشند. برق آفتاب تن کوچه را داغ زده و ظهر خلوتی است اما تک‌وتوک عابری که از این کوچه که همچنان خانه رمزآلود در آن قرار دارد می‌گذرند، هنوز درباره اینکه چرا اهالی این خانه این اتفاق را برای خودشان رقم زده‌اند، حرف می‌زنند. همسایه روبه‌رویی زن مسنی است؛ یکی از قدیمی‌ترین افراد این محله که از این خانواده به خوبی یاد می‌کند: «پدرشان شهید شده بود و از آن زمان مادرشان سرپرست خانواده بود. بیشتر از همه از خانه بیرون می‌آمد. معلم بود. بعد که بازنشسته شد، کمتر می‌دیدمش. با کسی حرف نمی‌زد. در حد یک سلام و احوالپرسی خشک‌وخالی. زیاد اهل حرف‌زدن نبود. بچه‌هایش هم همین‌طور. اما همه محجبه بودند. نمی‌خورد به اینکه چنین فکرهایی بکنند». زنی که درحال عبور است، وقتی متوجه می‌شود گفت‌وگو راجع به خانواده مرموز «پ» است، وارد بحث می‌شود. «خانواده خوبی بودند. پسرشان هم سربه‌زیر بود، اما کمی عصبی هم بود. یک‌بار با پسر من دعوایش شد». لبش را می‌گزد کلمه خدابیامرزدشان را بلند و پررنگ می‌گوید و بعد نگاهی به در خانه می‌اندازد. آهی می‌کشد و می‌رود. این را که چه چیزی باعث شده این خانواده مسخ شده و به جنون خودکشی دچار شوند، هیچ‌کس نمی‌داند. اگر هم داستانی هست بر اساس بافته‌های ذهنی همسایه‌ها و خبرهایی است که در فضای مجازی خوانده‌اند. همسایه دیگر این خانواده زنی حدود ۴۵ساله است، چادر سیاهش را به دندان می‌گیرد و از لای در بدون اینکه بیرون بیاید به سؤالاتمان پاسخ می‌دهد: «اهل چشم‌وهم‌چشمی‌کردن با زن‌های دیگر نبود. توی خودش بود و کار خودش را می‌کرد. بچه‌هایش هم همین‌طور. زیاد اهل بیرون‌آمدن نبودند ولی در کل به کسی هم کاری نداشتند. وضعیت زندگی‌شان بد نبود؛ یعنی اینکه فقیر باشند و اینها نه نبودند. زیاد نمی‌شناختیمشان. دوست نداشتند با کسی ارتباط داشته باشند. اینجا همه همدیگر را می‌شناسند و همه به کار هم کار دارند اما این خانواده زیاد اهل رفت‌وآمد نبودند و دلشان نمی‌خواست کسی سر از کارشان دربیاورد. دخترشان را نمی‌دانیم طلاق گرفته بود یا آمده بود قهر؟ اما مدتی بود با مادرش زندگی می‌کرد و یک بچه ۱۴ساله هم داشت. شلوغ نبودند هیچ‌کدامشان، رفت‌وآمدشان هم زیاد نبود». زن مسن از زن خانواده این‌طور تعریف می‌کند: «هیچ‌وقت بد رفتار نمی‌کرد، فقط مبهم بود و رو به کسی نمی‌داد. با یک سلام و احوالپرسی ختم می‌شد». خانه‌ای که حالا لابه‌لای ساختمان‌های ریز و درشتی که در این کوچه است، مثل یک راز سربه‌مهر مانده است. زن باز دستش را می‌گیرد سمت خانه و می‌گوید: فقط وقتی نیازی داشتند یا خریدی داشتند، می‌دیدمشان. می‌آمدند و بعد دست پر می‌رفتند در خانه. پسرشان را بیشتر می‌دیدیم؛ سرش را بالا نمی‌کرد و بسیار سربه‌زیر بود. گفته‌های پیرزن نشانی از خانه به ما نمی‌دهد. هیچ‌کس حتی هم‌بازی‌های پسر هم نمی‌دانند در آن خانه چه خبر بوده که از این‌همه رنگ، تنها دو رنگ سیاه و خاکستری را انتخاب کرده‌اند و آتش زده‌اند به زندگی‌شان. حالا خاطره‌های باقی‌مانده از این خانواده ختم می‌شود به رهگذرانی که در مواقع خاصی در کوچه روشنایی دیده می‌شده‌اند و حالا زندگی‌شان در همان زیرزمین خاموش شده است. یکی از همسایه‌ها وقتی این خانواده پنج‌نفره را پیدا می‌کنند، شاهد بوده و به قول خودش اگر پنج سال دیگر هم بگذرد، آن صحنه‌ها، آن زیرزمین تاریک و آن سر جداشده از بدن را یادش نمی‌رود. درد و رنج یک آن ولش نمی‌کند از دیدن آن‌همه جنازه؛ «از دیدن پنج نفر از یک خانواده که اجسادشان دچار فساد شده بود و بوی به‌شدت بدی می‌داد، شوکه شده بودم. فکرش را نمی‌توانم بکنم. شب و روزهای اول نمی‌تونستم بخوابم. چند روز نخوابیدم. همه در و پنجره‌ها رو بسته بودن، همه قفل بودن. آتش‌نشانی شیشه‌هارو شکسته بود. بغض کرده بودم. همه محله شوکه هستن. هنوز شوکه‌ایم همه. راز این خانواده چی بوده نمی‌دونیم، می‌گن افسردگی بوده. آخه همه باهم افسردگی گرفته بودن؟ خدا عالمه من که نمی‌دونم. عجیبه واقعا عجیبه. درد یهو به جونشون افتاده بوده». اشک امانش نمی‌دهد و ترجیح می‌دهد که ادامه ندهد. کوچه‌پس‌کوچه‌های نجف‌آباد هنوز به اندازه خیابان‌های معروفش آباد نیست؛ حتی با اینکه در هر کوچه خانه‌های نویی هم ساخته شده اما این خانه بزرگ با همان دیوارهای آجری قدیمی، دیگر برای اهالی با بقیه فرق می‌کند. پیرزنی که خانه‌اش چند متر آن‌طرف‌تر است، این خانواده را از خیلی وقت پیش می‌شناسد. «پدرشان مرد خوبی بود، وقتی شهید شد این خانواده هم فروریخت». آلزایمر نمی‌گذارد اطلاعات جزئی‌تری به ما بدهد، فقط در همین حد که این خانواده بعد از مرگ پدرشان چندان با همسایه‌ها رفت‌وآمد نداشته‌اند. با وجود اینکه همسایه‌ها چیزی از خانواده «پ» نمی‌دانند اما هرکدام بر اساس شایعه‌هایی که شنیده‌اند، حرفی می‌زنند. بعضی می‌گویند پسر خانواده باعث این موضوع شده و بعضی دیگر ردپای کس دیگری را در این ماجرا باز می‌کنند. حالا ایستاده‌ایم در کوچه معروف روشنایی جلوی خانه‌ای با پلاک... که گله‌به‌گله برخی ایستاده‌اند، برخی به دیوار تکیه زده‌اند و هرکسی چیزی می‌گوید. زن در را می‌بندد و خداحافظی می‌کند. عابرانی که رد می‌شوند، نمی‌توانند چشم از خانه بردارند. دیوار طویل خانه روبه‌رویمان قد کشیده و توی آفتاب رنگ‌پریده شده، درختان حیاط از روی دیوار قد کشیده‌اند و تنشان را انداخته‌اند روی آجرها؛ تنها نام و نشانی که از زندگی در این خانه یافت می‌شود، همین درختان نیمه‌سبزی است که با نبود اهالی خانه رنگ خشکی به خود دیده‌اند. سناریوهایی که عابران یا همسایه‌ها از این خانواده می‌سازند، تقریبا مشترک است؛ پسری تقریبا بی‌اعصاب، مادر، دختران و نوه‌ای سربه‌زیر و آرام. ارتباطشان تقریبا صفر بوده، گاهی اوقات با ماشین پژو رفت‌وآمد می‌کرده‌اند و گاهی اوقات پسر خانواده با وانت تردد می‌کرده است. گفته‌ها تکراری است؛ گفته‌هایی که بارها و بارها برای پلیس و آتش‌نشانان گفته شده است. در این خانه آجری چه گذشته معلوم نیست؟ کسی نمی‌داند؛ نه از بومی‌های نجف‌آباد و نه مرد میانسال معتمد محل که ترجیح می‌دهد حرفی نزند. شایعه‌ها اما زیاد است؛ دهان‌به‌دهان می‌چرخد، نقل می‌شود و معلوم نیست حالاحالاها به کجا برسد. مرد سر تکان می‌دهد و نچ‌نچ می‌کند و می‌گوید خدابیامرزتشان. کاش می‌دانستیم، کاش کمکی می‌کردیم. می‌گویند الجار سم الدار. غفلت کردیم، یاد همسایه نبودیم، اگر بودیم این اتفاق نمی‌افتاد. دنیای بدی شده. با احوال همه همسایه‌ها آشناییم، با اینها غریبه بودیم. نمی‌دانستیم. بخت نحس همه‌شان را کشت. این جماعت یادشون نمی‌ره، بغض توی گلوشون جا خوش کرده. هیچ‌وقت ندانسته نباید کسی را قضاوت کرد. منم چیزی نمی‌دونم. اگر کسی چیزی بگه مسئولش خودشه بابا. ازدحام زخم و غم در کوچه روشنایی حالا این‌قدر زیاد است که کسی دیگر به ثانیه‌ها و دقیقه‌ها اهمیت نمی‌دهد؛ حتی اگر عجله هم داشته باشد، می‌ایستد روبه‌روی خانه فاتحه‌ای می‌فرستد و بعد می‌رود. مرگ در خانه چسبیده به کوچه روشنایی فراموش‌ناشدنی است. «ساعت‌های اول، هنوز باور نمی‌کردیم، مادرشون، بچه‌شون، کل خانواده‌شون حلق‌آویز شدن و مرده بودن»؛ و این ناباوری مرگ، ناباوری محتوم‌ترین تناقض زندگی، ناباوری تاوان لغزش لایه‌های امید، ثانیه‌های ناباوری آدم‌ها متراکم می‌شود و تمام حجم حافظه کوتاه‌مدت اهالی نجف‌آباد را اشباع کرده است. مرگ پنج نفر در یک خانه مثل فروریختن دیوار خانه است؛ سهمگین و مهیب. غرش آوار مرگ این خانواده هنوز برای اهالی نجف آباد قابل اندازه‌گیری نیست. سوگی که با خانه شماره... مانده است در دل اهالی.

آخرین خبرها از کرونا

روند افزایشی کرونا با زیرسویه BA5

سخنگوی ستاد ملی کرونا آخرین جزئیات و مصوبات جلسه ستاد ملی کرونا را تشریح کرد. دکتر عباس شیراوژن در پیامی توییتری نوشت: «نکاتی از جلسه امروز ستاد ملی کرونا در تاریخ اول مردادماه ۱۴۰۱: ۱- همچون بیشتر نقاط دنیا، شاهد روند افزایشی ابتلا به کرونا با زیرسویه BA5 هستیم که ما مسئولان و عموم مردم باید مراقب باشیم با عادی‌انگاری‌ها، این روند شتاب بیشتری نگیرد. ۲- تأکید بر استفاده الزامی از ماسک در هواپیماها، قطار و مترو، اتوبوس‌ها و همچنین در اماکن زیارتی و هیئت‌های مذهبی. ۳- فعال‌ترشدن طرح شهید سلیمانی با همکاری بسیج مستضعفین که به غربالگری و پیشگیری توجه خاص دارد. ۴- مردم عزیز نسبت به تزریق نوبت یادآور واکسن پس از شش ماه از نوبت‌های قبلی اقدام نمایند. ۵- مراکز تزریق واکسن باید فعال‌تر شوند. مراقبت‌های بهداشتی مرزی هم باید با جدیت بیشتر دنبال شود».

تأکید رئیسی بر رعایت کامل دستورالعمل‌ها برای پیشگیری از شیوع سویه جدید

رئیس‌جمهور با اشاره به افزایش آمار مبتلایان و قربانیان کرونا و تغییر رنگ‌بندی شهرها در روزهای اخیر، پرهیز از عادی‌انگاری و رعایت کامل دستورالعمل‌های بهداشتی را برای پیشگیری از شیوع سویه جدید و ضرورت یافتن اعمال محدودیت‌ها ضروری دانست. آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی صبح روز گذشته در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا با اشاره به شرایط جدید شیوع بیماری کرونا در کشور گفت: همه مردم باید در اماکن عمومی ضمن استفاده از ماسک به تمام ضوابط بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی توجه ویژه داشته باشند و خصوصا با توجه به نزدیکی ایام محرم این ملاحظات با دقت بیشتر در هیئات و اماکن زیارتی رعایت شود. رئیسی تزریق دُز یادآور واکسن را نیز مورد تأکید قرار داد و از وزارت بهداشت خواست به‌منظور ارائه خدمات بهتر به شهروندان، تأمین واکسن مورد نیاز و افزایش مراکز واکسیناسیون را در اولویت قرار دهد. رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به افزایش سفرهای خارجی و نیز سفرهای زیارتی به عتبات عالیات در ایام محرم و اربعین حسینی، انجام تست در مبادی ورودی برای جلوگیری از ورود سویه جدید بیماری به کشور را ضروری برشمرد. رئیسی با قدردانی از دست‌اندرکاران طرح شهید سلیمانی در سراسر کشور، اجرای این طرح را در حوزه‌های آموزش، پیشگیری و غربالگری موفقیت‌آمیز خواند و لزوم تأمین اعتبارات لازم در این زمینه و تداوم اجرای آن را مورد تأکید قرار داد. وی در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر اینکه مدارس و دانشگاه‌ها در موعد مقرر خود بازگشایی خواهند شد، اظهار کرد: همه الزامات برای بازگشایی به‌موقع مراکز آموزشی مورد توجه قرار گیرد؛ هیچ بهانه‌ای نباید مانع از برگزاری حضوری کلاس‌های آموزشی شود.

شناسایی ۶۹۲۱ بیمار جدید کرونا در کشور

بنا بر اعلام وزارت بهداشت، از ۳۱ تیر تا یکم مرداد، شش‌هزارو ۹۲۱ بیمار مبتلا به کرونا در کشور شناسایی شده و متأسفانه ۲۶ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، شش‌هزارو ۹۲۱ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی و ۷۲۶ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به هفت‌میلیون‌و ۳۱۹هزارو ۳۲۲ نفر رسید. متأسفانه در ۲۴ ساعت گذشته، ۲۶ بیمار مبتلا به کووید۱۹ در کشور جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۴۱هزارو ۶۵۰ نفر رسید. خوشبختانه تاکنون هفت‌میلیون‌و۷۲هزارو ۳۵۹ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. ۸۳۴ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. تاکنون ۵۲میلیون‌و ۹۹۴هزارو ۴۵۸ آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. همچنین درحال‌حاضر ۵۷ شهرستان در وضعیت قرمز، ۸۶ شهرستان در وضعیت نارنجی، ۱۹۹ شهرستان در وضعیت زرد و ۱۰۶ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند.

تأثیر ۹۰ درصدی دُز یادآور در کاهش بستری‌های کرونا

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر با اعلام اینکه تزریق دز یادآور در کاهش مرگ‌ومیر کرونا تأثیر ۸۰ تا ۹۰ درصدی دارد، گفت: برای مهار واریانت‌های نوپدید کرونا فعلا راهی جز پرکردن خلأهای واکسیناسیون نداریم. محمدمهدی گویا با بیان این مطلب در کارگاه آموزشی معاونان بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در هتل قلب تهران گفت: متأسفانه واریانت‌های جدید موجب افزایش سرایت بیماری، افزایش ظرفیت فرار ویروس از سیستم ایمنی، کاهش میزان آنتی‌بادی و افزایش ابتلای مجدد افراد شده و شاهدیم که شش هفته است در سراسر دنیا موارد ابتلا و متعاقب آن مرگ‌ومیر کرونا افزایش درخور توجهی یافته است. وی افزود: دلیل اصلی افزایش ابتلا و مرگ‌ها این است که جهان انتظار نداشت کرونا در این فصل شروع مجدد داشته باشد و همه خود را برای پاییز و زمستان آماده کرده بودند. بنابراین احتمالا پاییز و زمستان سختی در پیش خواهیم داشت. حتی کشور امارات که ادعای پوشش صد درصدی واکسیناسیون داشت، دچار جهش ویروس و همه‌گیری شد. دکتر گویا با تأکید بر اینکه از دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌خواهیم نظام مراقبت سندرومیک را در مراسم اربعین جدی بگیرند، گفت: هفته گذشته هزارو ۴۷۱ مورد و این هفته چهارهزارو ۱۱۹ مورد بستری کرونا در کشور داشته‌ایم. مرگ‌ها نیز از ۱۸ به ۴۰ و در این هفته به ۶۹ مورد رسید. در استان‌های یزد، خراسان جنوبی، مازندران، کرمان، قم و هرمزگان شرایط سخت‌تر است. رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر با اعلام اینکه نرخ رشد بستری‌ها در تهران از ۱۰۸ به ۲۲۲ درصد و در البرز از ۱۰۶ به ۲۴۲ درصد رسیده است، اظهار کرد: در پنج استان تهران، البرز، گیلان، بوشهر و کرمان روند و شدت بستری‌ها ارزیابی شد که نشان داد اثربخشی واکسیناسیون در مهار کرونا و کاهش ابتلا و مرگ‌ها بسیار مثبت بوده است. الان کارآمدترین سلاح ما واکسیناسیون است. گویا بیان کرد: موارد افزایش در سالمندان رو به تشدید و تزاید است و جمعیت بالای ۶۰ سال کشور نیاز به توجه بیشتر دارند. باید به نسبت میزان این جمعیت و نیز قشر بیماران خاص در هر استان، تزریق دز یادآور افزایش یابد. همچنین از سهل‌انگاری در رعایت پروتکل‌های بهداشتی باید جلوگیری کرد.

گزارش

داده‌ها روایت می‌کنند:

ارشاد و حجاب در صدر بگومگوهای مجازی

محمد رهبری، هادی صفری: حجاب و گشت ارشاد، مهم‌ترین موضوع یک هفته گذشته در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بوده است. به دنبال انتشار ویدئویی در اتوبوس‌های بی‌آرتی در صبح روز ۲۵ تیر که در آن دختری به دلیل تذکر حجاب و فیلم‌برداری و تهدید به ارائه آن ویدئو به سپاه، توسط دیگر مسافران از اتوبوس خارج شده بود، موضوع حجاب در شبکه‌های اجتماعی ازجمله توییتر و اینستاگرام مورد توجه کاربران قرار گرفت. هنوز این موضوع از توجهات خارج نشده بود که ویدئوی دیگری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن یک ماشین گشت ارشاد، بی‌توجه به فریادها و مقاومت زنی که می‌گوید دخترش مریض است، در خیابان حرکت می‌کند، درحالی‌که آن زن تلاش می‌کند با دستانش جلوی حرکت ماشین را بگیرد.

ویدئوهای منتشرشده راجع به حجاب اجباری و گشت ارشاد در هفته گذشته، باعث شد فقط در توییتر بیش از ۷۱ هزار توییت توسط ۳۰ هزار کاربر در این زمینه منتشر شود. داده‌ها نشان می‌دهد روند انتشار این توییت‌ها تا پایان روز پنجشنبه ۳۰ تیر کاملا صعودی بوده که همین امر بیانگر حساسیت کاربران توییتر به این موضوع است؛ حساسیتی که نه‌تنها متوقف نشده، بلکه تداوم داشته است.

بررسی شبکه بازنشرهای توییت‌های مربوط به این موضوعات حاوی نکات مهمی است. در این رابطه بیش از ۲۵ هزار توییت منتشر شد و داده‌های به‌دست‌آمده از شبکه بازنشرهای توییت‌های مربوط به اخراج دختر تذکردهنده از بی‌آرتی بیانگر آن است که در این موضوع کاربران برانداز و مخالف جمهوری اسلامی بیشترین میزان واکنش‌ها را داشته و بیش از ۶۰ درصد از شبکه به محتوای آنها اختصاص داشته است و سایر کاربران، سهم کوچک‌تری از واکنش‌ها داشته‌اند.

در این میان، نیروهای میانه‌رو سهم بسیار کوچکی از توییت‌ها و ریتوییت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

اما در رابطه با رفتار گشت ارشاد با مادری که دخترش مریض است، ماجرا کمی متفاوت بود. در این ماجرا اگرچه طیف‌های متنوع‌تری از مخالفان جمهوری اسلامی فعال بوده‌اند، اما توییت‌ها و ری‌توییت‌های آنها حدود ۴۰ درصد از کل شبکه را شامل شده است و در قیاس با موضوع پیشین، کاربران میانه‌رو و اصلاح‌طلبان فعال‌تر بوده‌اند و این در حالی است که در میزان فعالیت کاربران اصولگرا و انقلابی تغییر محسوسی مشاهده نمی‌شود. در این ماجرا، کاربران روزمره‌نویس نیز فعال بوده و توییت‌هایی را منتشر کردند.

نکته مهمی که در هر دو گراف مشهود است، آن است که مواضع کاربران انقلابی فاصله محسوسی از سایر کاربران اعم از اصلاح‌طلب، روزمره‌نویس و مخالف جمهوری اسلامی دارد و به‌وضوح در اقلیت قرار دارند. این در حالی است که در میان کاربران میانه‌رو که با رنگ آبی در گراف مشخص شده‌اند، اسامی افرادی مانند وحید اشتری و مرتضی کیا، مسئولان سابق بسیج دانشجویی دانشگاه تهران نیز دیده می‌شود. از آنجایی که مواضع این افراد با مواضع کاربران انقلابی تفاوت داشته، توییت‌هایشان مورد توجه سایر کاربران میانه‌رو و اصلاح‌طلب قرار گرفته و جایگاهشان در گراف در میانه قرار گرفته است. حضور پررنگ کاربران میانه‌رو و اصلاح‌طلب در موضوع رفتار گشت ارشاد با مادری که دخترش مریض است، در قیاس با آنچه در بی‌آرتی رخ داده بود، نشان می‌دهد حتی کاربرانی که در موارد قبلی ساکت بوده‌اند، در این ماجرا لب به اعتراض گشوده‌اند.

این امر در واکنش کاربران محجبه در اعتراض به گشت ارشاد و حجاب اجباری محسوس است؛ به موازات آنچه در توییتر سپری می‌شد، در اینستاگرام کمپینی راه افتاد که در آن افراد محجبه نسبت به گشت ارشاد و حجاب اجباری اعتراض کردند؛ در این کمپین که بیش از ۴۰ هزار نفر در طول یک روز به آن پیوستند، بسیاری از کاربران محجبه اعتراضشان را به رفتارهای گشت ارشاد اعلام کردند. این در حالی است که در تمام سال‌های گذشته، افراد محجبه اعتراضی جمعی و عمومی نسبت به گشت ارشاد نداشته و به نوعی می‌توان واکنش آنها را به‌معنای شکسته‌شدن سکوتشان در این موضوع تعبیر کرد؛ سکوتی که در توییتر نیز شکست و کاربری محجبه به نام مریم شوندی در توییتی با بیش از ۱۶ هزار لایک نوشته: «وقتش شده خانم‌های چادری بیان تو خیابون و علیه گشت ارشاد تجمع کنند. ما طرفدار خشونت و شکاف و تنفر نیستیم، حجاب زمانی ارزش داره که بر پایه اراده و انتخاب هر فرد باشه، سیاست‌های جبرگونه نه‌تنها کمکی به معنویت جامعه نکرده که ارزش انتخاب ما رو هم به لجن کشیده... چطور اعتراض نکنیم؟!».

شکسته‌شدن سکوت محجبه‌ها در اعتراض به گشت ارشاد و حجاب اجباری شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اعتراضات آنلاین در روزهای اخیر است و نشان می‌دهد بخش‌های مختلف جامعه ایران حالا نسبت به این امر معترض‌اند و اعتراضات به این موضوع را نمی‌توان به گروهی خاص فروکاهید و آن را دغدغه‌ای بی‌اهمیت معرفی کرد که خارج از مرزهای ایران تبلیغ می‌شود. همین حالا که این متن در حال نگارش است، نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر به کمپین اینستاگرامی پیوسته‌اند که در آن اعلام می‌کنند «مخالف حجاب اجباری هستند».

نکته مهم آن است که بسیاری از کاربرانی که این روزها نسبت به حجاب اجباری معترض هستند، در هفته‌های گذشته که براندازان کمپینی را در این زمینه راه‌اندازی کرده بودند، ساکت بودند. این امر نشان می‌دهد اعتراض به این موضوع ارتباطی به گروه‌های سیاسی خارج از کشور ندارد و امری درون‌زاست. این اعداد و ارقام بیانگر تغییری شگرف در جامعه ایران در دو دهه گذشته است. اگر روزگاری حتی صد هزار نفر هم حاضر به امضای اعتراضی نسبت به گشت ارشاد و حجاب اجباری نبودند، حالا صدها هزار نفر از مردم در کمپینی خودجوش و در طول یک روز، مخالفت خودشان را با حجاب اجباری اعلام می‌کنند. نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد که رویکرد مردم نسبت به اجبار حجاب تغییر کرده است و اگرچه درصد درخورتوجهی از مردم در کل کشور محجبه هستند اما به نظر می‌رسد بسیاری از آنها مخالف اجبار هستند. این امر نشان می‌دهد نه‌تنها به‌کارگیری گشت ارشاد در ۱۶ سال اخیر دستاوردی نداشته است بلکه این سیاست‌ها در سایه تغییرات سبک زندگی و تحولات فناورانه، مردم را به این نتیجه رسانده است که اجبار حجاب کار درستی نیست. سیاست‌گذاران فرهنگی کشور نیز باید متوجه تغییرات فرهنگی و ارزشی جامعه در دو دهه اخیر باشند و متناسب با عرف و فرهنگ جامعه در شرایط امروز سیاست‌گذاری کنند.

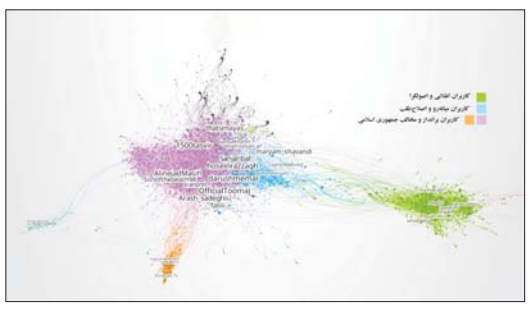

شبکه بازنشرهای توئیت‌های مربوط به اخراج دختر تذکردهنده از بی‌آرتی

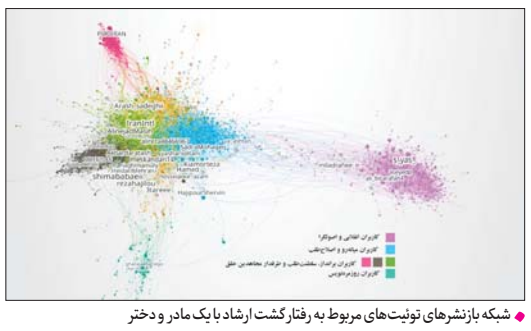

شبکه بازنشرهای توئیت‌های مربوط به رفتار گشت ارشاد با یک مادر و دختر

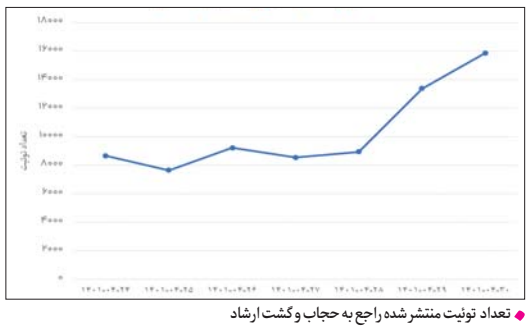

تعداد توئیت منتشرشده راجع به حجاب و گشت ارشاد

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

شناسه آگهی ۱۳۵۱۶۲۶

نوبت دوم

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصهٔ عمومی دو مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران: ۲۰۰۱۰۹۶۳۴۷۰۰۰۰۰۵

شماره مناقصه و تقاضا : تقاضای IN-9940136-NM

مناقصه شماره R5/1401/IN-9940136-NM-0

موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقالم درخواست :

SELF SEQUENCE HYDRAULIC VALVE FOR RATCHET SYSTEM COMPLETE

مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ۱,۷۴۴,۰۲۵,۰۰۰ ریال

نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار: تضمین شرکت در فرایند ارجاع کاربصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران طبق موارد مندرج در سامانه ستاد می باشد.

مبلغ برآوردی مناقصه: ۳۴,۸۸۰,۵۰۰,۰۰۰ریال

آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد : ۷ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.

آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد: ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.

آخرین مهلت بارگزاری پیشنهادات فنی/ مالی در سامانه ستاد : پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می گردد.

آدرس مناقصه گزار: استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی-پالایشگاه پنجم - ساختمان اداری ۲-دفتر کمیسیون مناقصات

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد وبه پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن های ۰۷۷۳۱۳۱۷۲۵۰ - ۰۷۷۳۱۳۱۷۲۴۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی